



۲۰۱۶/۰۲/۲۴

محمد ایاز نوري

جمعبندي موضوع انتقال ميت محصل استقلال افغانستان به کابل

همان طوریکه افغان های محترم در جریان موضوع قرار دارند، مسئله ترمیم زیارتگاه خانواده سراج در شهر جلال آباد که در آن قبر اعلیحضرت امان الله خان غازی هم خلاف وصیت ایشان قرار دارد، نه این جانب و نه محترم پروفیسور سید خلیل الله هاشمیان آن را درین وضعیت غیر عادی کشور ما مطرح کردیم، بلکه این مسئله توسط دولت فعلی افغانستان به میدیا داده شد. ترمیم تعمیر فوق به حواله سایت تاند از طرف والی فعلی ننگرهار پیشنهاد و از طرف ریس جمهور محمد اشرف غني منظور شد. چون من نگارنده سندی در دست دارم که مستقیم به این اقدام دولت افغانستان ارتباط داشت، من موضوع را ذریعه مقاله تحت عنوان (د هیواد د استقلال د محصل غازی اعلیحضرت امان الله خان د وصیت په اړوند دغه سند افغان ولس او افغان دولت ته تقدیم کوم)، بتاريخ ۱۸ فیبروری از طریق پورتال های افغان جرمن آنلاين، افغان سباوون و ټول افغانستان به نشر رساندم. مدیریت محترم افغان جرمن آنلاين با یک احساس مقبول وطن دوستی برای ارزیابی این موضوع مهم تاریخی درجه مستقل نظر خواهی را در صفحه اول پورتال باز کردند، که تا فعلاً نظریات و پیشنهادات محترمان:

سرلوح مرادزی، ایاز نوری، محمد داود مومند، استاد هاشمیان، الله محمد، لمر، استاد سیستانی، غلام حضرت، داکتر مصطفی آریامل، خانم نرگس، ارمان آزاد منش، عبدالرحمن زمانی، صالح محمد، فدا محمد نومیر، زمری کاسی و نجیب داوری در درجه نظر خواهی پورتال افغان جرمن آنلاين به نشر آمدند، که من از تمام این هموطنان گرامی ما منحيث یک افغان اظهار خوشی و تشکر میکنم. هر چند نظریات متفاوت به نظر میرسند، لیکن در عین حال اهمیت دادن و متوجه شدن بیک موضوع مهم ملی در ذات خود قابل ستایش است.

من درین جا متن دری وصیت نامه اعلیحضرت مرحوم امان الله خان را بار دیگر ذکر میکنم:

برادر زاده شاه امان الله خان مرحوم کبیر الله سراج مقیم کشور ایالات متحده در صحبت تیلیفونی شان با من نگارنده در سال ۲۰۱۲ م چنین توضیح دادند:

در سال ۱۹۵۳ م زمانیکه من طی یک سفرم به روم مرکز کشور ایتالیا رفتم، مدت سه هفته در حضور کاکایم غازی امان الله خان در منزل شان بسر بردم. یک روز که وقت عصر بود، اعلیحضرت غازی، پسر ایشان رحمت الله جان و من در آن سالون بزرگ منزل نشسته بودیم. کاکایم مشغول نواختن پیانو بود، من و رحمت الله جان با هم صحبت داشتیم. بعداً کاکایم انگشتان خویش را از پیانو دور و رو به ما گشتانده و گفت:

«ببینید، به زندگی اعتماد نیست... من که پادشاه افغانستان محمد ظاهر و حکومت اش را میبینم، فکر نمیکنم و مطمئن نیستم، زمانیکه من وفات شوم آنها اجازه دفن جسد مرا در کشور به شما بدهند، لذا به شما وصیت میکنم، وقتیکه وفات شدم، میت مرا نخست بطور امانت اینجا در شهر روم در یک قبرستان اسلامی به خاک بسپارید و زمانیکه در افغانستان یک زعیم ملی و یک دولت ملی بوجود آمد، بعداً جسد مرا به کشور انتقال و در محوطه پارک زرنگار شهر کابل دو باره به خاک بسپارید.»

حال به اساس اسناد مؤثق تاریخی و قرار اظهارات شاهدخت اندیا (د افغانستان*) هنگام اقامت من نگارنده در منزل ایشان در شهر روم در ماه اگست سال ۲۰۰۸ ع، چنین اظهار داشتند: "هنگامیکه پدرم بتاريخ ۵ ماه ثور سال ۱۳۳۹ هجری شمسی مطابق ۲۵ اپریل سال ۱۹۶۰ عیسوی در شهر زوریخ سویس جان به حق سپردند، جسد ایشان توسط اعضاء فامیل ذریعه ریل به شهر روم انتقال داده شد و از طرف مقامات دولتی کشور ایتالیا با احترام زیاد در قصر ام یک M-1 جا بجا شد. به تعقیب مادرم ملکه ثریا و برادر ارشد ما رحمت الله خان به سفارت افغانستان مقیم روم از واقعه خبر دادند، تا بدانند که فیصله دولت افغانستان در باره چه است، لیکن اعلیحضرت ظاهرشاه تا سه روز به مادرم هیچ جواب ارسال نکرد. درین میان از طرف دولت ترکیه، پادشاه آنوقت عربستان سعودی و رهبر پشتونها خان عبدالغفار خان به ملکه ثریا خبر دادند که ایشان حاضر هستند، میت شاه اسبق افغانستان را به کشور های شان برده و زیارت برای شان اعمار کنند. مادرم آنقدر وراخطا بود، میگفت: من چه کنم و کدام یک را قبول کنم. بالاخره

د پائو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنې دلیکنیزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

روز سوم انتظار ما، دولت افغانستان از طریق سفارت بما خبر دادند که جنازه را معطل کنید، طیاره افغانی میرسد. با رسیدن طیاره بعداً جسد پدرم را در طیاره افغانی جا دادند و پرواز کرد. توقف اول طیاره در شهر قندهار بود و متعاقباً محمد ظاهرشاه و صدراعظم داود خان امر دادند که جسد راساً به جلال آباد برده شود و در زیارتگاه امیر حبیب الله خان پدر امان الله خان دفن شود. ما میخواستیم پدر ما در کابل [طبق وصیت ایشان، نگارنده] دفن شود". فعلاً با در نظر داشت اوضاع و احوال کشور در حالیکه جنگ مسلحانه اصلاً در تمام نقاط کشور ادامه دارد، تشکیل سیاسی فعلی در افغانستان بنام دولت وحدت ملی که حتی با قانون اساسی توشیح شده در کشور در تضاد کلی قرار دارد، بر شانه های مردم مظلوم افغانستان سنگینی میکند، بنام دیموکراسی آنقدر بی بند و باری و انارشی در چوکات دولت و ارگانهای ذریبط و منابع نشراتی اش مسلط است که یک پسر جوان اوپاش بنام فهیم کودامنی همراه با یک شخص دیگر بنام مولوی صبور در مقابل کمره تلویزیون قرار میگیرند، مولوی صبور غازی امان الله خان قهرمان و سروال آزادی افغانستان را شاه بی دین معرفی میکند و آن تحلیگر؟ دیگر بنام فهیم تبسم بر لب و با خاطر جمعی تام میگوید، شاه امان الله نسبت مراعات نکردن حجاب اسلامی برای زنان کافر شده بود و خانم اش ملکه ثریا تنبان نمی پوشید...؟! و قدرتی و قانونی وجود ندارد که ازین چنین اشخاص که زعیم ملت افغانستان را به این سویه تحت توهمین قرار میدهند، باز پرس نماید.

بنام در چنین یک اوضاع سیاسی در افغانستان من مخالف انتقال میت محصل استقلال به پایتخت کابل توسط دولت فعلی افغانستان بوده، زمانیکه در کشور صلح دایمی و یک دولت ملی به رای واقعی ملت قهرمان افغانستان بوجود آمد، در آن وقت این وصیت امان الله خان غازی عملی شود. از مرور نظریات شخصیت های افغانی در درجه پورتال من از اظهارات جناب محمد داود مومند استقبال شایان میکنم، که نوشته اند، قبل از انتقال میت شاه غازی برای ایشان یک مقبره به شان تاج محل اعمار شود که در ملحقات تعمیر مربوطه یک سالون کنفرانس، یک ساختمان برای کتابخانه و دیگری بنام موزیم امانی حاوی اسناد تاریخی و غیره اشیاء باشد.

من این دلیل استاد هاشمیان صاحب را ارج میگذارم که نگاشته اند، "کسانیکه در جمله رعایای شاه امان الله خان محسوب میشدند، مقبره های همه ایشان در پایتخت کابل است و از پادشاه ایشان در یک ولایت کشور باشد، چرا؟"، بلی، این یک حقیقت است که نادرخان و برادرانش همه عساکر و حاضر باش ها و رکاب باشیان شاه امان الله غازی و پدر ایشان امیر حبیب الله خان بودند. چنانچه به رجوع اسناد روشن تاریخی دفن کردن جسد شاه غازی در جلال آباد در قدم اول خلاف وصیت خود ایشان و در عین حال در عدم رضایت ورثه شاه از طرف خاندان حاکم وقت بر ایشان تحمیل شده است.

در فرجام این نوشته خود که در اصل یک خواست من از مردم و ملت افغانستان است به نظر و تحلیل اینجانب اگر درین موضوع مهم ملی هر قدر اختلاف در بین هموطنان ما بروز کند، بیک نقطه باید همیشه متوجه باشیم که انتقال میت امان الله خان غازی به پایتخت کابل و دفن دوباره آن در احاطه پارک زرنگار، این وصیت، خواست، هدایت، آرزو و امید خود آن شخصیت عظیم کشور ماست و این نقطه اساس مسئله است. من منحصراً یک افغان به چنین خواست غازی امان الله خان مرحوم، به غیر از بلی صاحب، وصیت شما بجا میشود، جرأت نی گفتن را ندارم. کسانیکه در مقابل این خواست شاه غازی ما نی میگویند، مسوولیت دنیوی، اخروی و ملی به دوش خود شان است. در ضمن من در همان فرموده و پیشبینی استاد هاشمیان شریک هستم، که: ما باشیم یا نباشیم، دیر یا زود مردم افغانستان بلاخره این وصیت و خواست شاه امان الله مرحوم را اجراء خواهند کرد. از من نگارنده این مضمون درینجا فقط رساندن این امانت ملی (وصیت نامه شاه امان الله) به ملت افغانستان بود.

پایان

* تخلص فامیلی اعلیحضرت شاه امان الله و اعضای فامیل ایشان در دیار غربت.

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ